

## نقش قوانین و مقررات در پیشگیری و کنترل مدیریت سود در بازار سرمایه

یونس نوبخت - کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد  
مریم نوبخت - کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش قوانین و مقررات در پیشگیری و کنترل مدیریت سود در بازار سرمایه است. نتایج این پژوهش گویای آن است که تقویت قوانین، مقررات و مکانیسمهای نظارتی، تغییر رویکرد در تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول و تأکید بر استقلال حسابرسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت از منافع سهامداران و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی در بازار سرمایه، از جمله تدابیری است که می‌تواند در کاهش مدیریت سود مؤثر باشد. موارد یادشده در بالا در کنار سازوکارهای درون سازمانی همچون ساختار هیأت مدیره یا کمیته حسابرسی می‌تواند مدیریت سود را با محدودیتهای جدی روبه‌رو سازد.

### درآمد

سود خالص یکی از مهمترین اقلام تهیه شده با سیستم حسابداری است که استفاده‌کنندگان درون و برون سازمانی به منظور اتخاذ تصمیمات اقتصادی از آن بهره می‌گیرند. فرایند اندازه‌گیری سود و نتیجه آن نقش مهمی در اداره شرکتها دارد و کاربران صورتهای مالی اهمیت زیادی برای آن قائلند. از آنجا که برآورد سود بنگاه اقتصادی متأثر از روشهای حسابداری و قضاوت تهیه‌کنندگان آن است و تهیه صورتهای مالی به عهده

مدیریت واحد تجاری است، ممکن است مدیریت به دلایل گوناگون اقدام به مدیریت سود کند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۲).

هیلی و والن (۱۹۹۹) برآنند که «مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوتهای شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را با هدف تغییر گزارشگری مالی دستکاری کنند. این کار یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا اثرگذاری بر

● دیوید سون و همکاران، مدیریت سود را فرایند برداشتن گامهای عمده در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری که مدیران را قادر می‌سازد تا سود گزارش شده را به سطح مطلوب خود برسانند، تعریف می‌کنند. دی جورج و همکاران، مدیریت سود را بعنوان نوعی دستکاری ساختگی در سود از سوی مدیریت، برای رسیدن به سطح مورد انتظار سود برای پاره‌ای تصمیمات خاص تعریف می‌کنند. از دید آنان، انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه‌گذاران در مورد واحد تجاری است.

گونگونگ از مدیریت سود شده است که به چند مورد اشاره می‌شود.

دیوید سون و همکاران (۱۹۸۷)، مدیریت سود را فرایند برداشتن گامهای عمده در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری که مدیران را قادر می‌سازد تا سود گزارش شده را به سطح مطلوب خود برسانند، تعریف می‌کنند. دی جورج و همکاران (۱۹۹۹)، مدیریت سود را بعنوان نوعی دستکاری ساختگی در سود از سوی مدیریت، برای رسیدن به سطح مورد انتظار سود برای پاره‌ای تصمیمات خاص تعریف می‌کنند. از دید آنان، انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه‌گذاران در مورد واحد تجاری است. جونز و شارما (۲۰۰۱)، مدیریت سود را نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت در سطح مطلوب و مورد نظر می‌دانند و این، زمانی رخ می‌دهد که مدیران بر پایه خواست و قضاوت خود در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات برای گمراه کردن برخی از ذینفعان درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا اثرگذاری بر نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر

نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن منوط به دستیابی به سود شخصی است». این پژوهشگران دوگونه مدیریت سود را مستند می‌کنند. در شیوه نخست از زمانبندی یا میزان تصمیمات عملیاتی برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر بهره گرفته می‌شود (به سخن دیگر، مدیریت واقعی سود)، و شیوه دوم شامل انتخاب روشهای حسابداری مناسب برای دستیابی به سطوح مطلوب و مورد نظر سود (مدیریت ساختگی سود) است. تشخیص شیوه نخست که از راه تصمیمات عملیاتی صورت می‌گیرد، دشوار است، اما شیوه دوم مدیریت سود یعنی مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری کمابیش در سال وقوع تغییر مشخص است (شیپر، ۱۹۸۹). اما چگونه می‌توان از مدیریت سود از سوی مدیران جلوگیری کرد؟ تقویت قوانین، مقررات و نظارتهای مالی و غیر مالی، تدوین قوانین و مقررات تازه و مناسب می‌تواند یکی از راههای جلوگیری از مدیریت سود باشد. قوانین، مقررات و نظارتهای حاکم بر بازار سرمایه، بعنوان یکی از عناصر برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی و رفتارهایی چون مدیریت سود اثر گذارد (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

### مدیریت سود

مدیریت سود در ادبیات حسابداری از مباحثی است که در حوزه سود حسابداری مطرح می‌شود. این مبحث در حسابداری از سالهای پایانی سده نوزدهم با پژوهشهایی از سوی صاحب‌نظران در رشته حسابداری شکل گرفت. در این پژوهشها از ابعادی خاص و زیر عنوانی متفاوت همچون دستکاری در سود، هموارسازی سود و مدیریت سود، به موضوع پرداخته شده است. در ادبیات حسابداری تعاریف

(۲۰۰۶).

روشهای مدیریت واقعی سود مانند کاهش قیمت فروش محصولات به منظور افزایش فروش یا کاهش هزینه‌ها یا کاهش هزینه‌های اختیاری در زمان بحرانهای اقتصادی، از روشهایی است که به مدیران در رسیدن به هدفهای گزارشگری مالی کمک می‌کند. ولی اگر مدیران به‌گونه گسترده و غیر عادی به استفاده از روشهای یادشده دست زنند، در واقع به مدیریت واقعی سود گرایش دارند. بدین‌سان، مدیران با چنین کارهایی می‌توانند به سودهای مورد نظر در کوتاه‌مدت دست یابند. ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۸۷) بر آن است که هدف از این‌گونه مدیریت سود که از راه تغییر فعالیتهای عملیاتی صورت می‌گیرد، گمراه کردن ذینفعان است و بر جریانهای نقدی و در پاره‌ای از موارد بر اقلام تعهدی اثر می‌گذارد.

### مدیریت ساختگی سود

این‌گونه مدیریت سود، ناشی از رویدادهای اقتصادی نیست، بلکه ریشه در کارهایی دارد که دستکاریهای حسابداری نامیده می‌شود و اثری بر جریانهای نقدی ندارد. به‌سخن دیگر، در این الگو تنها حسابهای درآمد یا هزینه جابه‌جا می‌شود و اثری بر وجه نقد ندارد. برای نمونه، استفاده از برآوردهای حسابداری در تعدیل سود یا زیان، از این دسته است (نورانی، ۱۳۸۲).

هنگامی که شرکتها با سود غیر عادی روبه‌رو می‌شوند، در بیشتر موارد مدیران گرایش دارند که سود را به سالهای آینده منتقل کنند و باصطلاح سود را دارای روند کنند. آنان از دو راه به این کار دست می‌زنند:

• تاخیر در ثبت درآمدها یا انتقال آن به سال یا

ایجاد می‌کنند. سالمون (۲۰۰۴)، مدیریت سود را دستکاری آگاهانه و مؤثر در نتایج حسابداری، با هدف دگرگونه نشان دادن وضع تجاری واحد اقتصادی می‌داند. اسکات (۲۰۰۹)، مدیریت سود را بعنوان فرایند گزینش روشهای حسابداری از سوی مدیریت برای دستیابی به اهداف خاص، تعریف می‌کند. از دید ایوانس و همکاران (۲۰۱۴)، در مدیریت سود، مدیران یا از اختیارات گزارشگری خود یا از نفوذ خود بر تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی استفاده می‌کنند تا به یک گزارش مطلوب دست یابند.

### مدیریت واقعی سود

کوهن و زاروین مدیریت واقعی سود را کارهایی می‌دانند که مدیران انجام می‌دهند و ناشی از روند عادی فعالیتهای واحد تجاری است (کوهن و زاروین، ۲۰۱۰). این تعریف با تعریف روی چودری همخوان است که مدیریت واقعی سود را این‌گونه تعریف می‌کند: «کارهایی مدیریتی که از فعالیتهای عادی تجاری ناشی می‌شود و در پیوند با هدف اولیه برآوردسازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌پذیرد (روی چودری،

• جونز و شارما، مدیریت سود را نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت در سطح مطلوب و مورد نظر می‌دانند و این، زمانی رخ می‌دهد که مدیران بر پایه خواست و قضاوت خود در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات برای گمراه کردن برخی از ذینفعان درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا اثرگذاری بر نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کنند. سالمون، مدیریت سود را دستکاری آگاهانه و مؤثر در نتایج حسابداری، با هدف دگرگونه نشان دادن وضع تجاری واحد اقتصادی می‌داند.

سالهای آینده؛

● استفاده از برآوردهای حسابداری و افزایش هزینه‌ها.

در هر حال هدف این است که از افزایش سود در صورتهای مالی جلوگیری شود، سود به صورت منصفانه نشان داده نشود و با کاهش درآمدها یا افزایش هزینه‌ها، سود مدیریت شود.

همچنین، هنگامی که شرکتها با زیان غیر عادی روبه‌رو می‌شوند، مدیران بیشتر گرایش دارند تا زیان را به سالهای آینده منتقل کنند و با اصطلاح سود را دارای روند کنند. آنان از دو راه به این کار دست می‌زنند:

● تأخیر در ثبت هزینه‌ها یا انتقال آن به سال یا

سالهای آینده؛

● استفاده از ارقام تعهدی اختیاری (کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه، کاهش هزینه‌های تبلیغات و افزایش فروشهای نسبی در پایان سال و...) برای کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها و همچنین کاهش در برآوردهای حسابداری سال قبل.

در شرکتهای زیانده، مدیران به هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که گویای عملکرد ضعیف واحد تجاری است، به منظور جبران این موضوع اقدام به افزایش سود از راه افزایش ارقام تعهدی اختیاری می‌کنند (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴).

### تفاوتهای مدیریت واقعی سود و

#### مدیریت ساختگی سود

تفاوت اساسی مدیریت سود واقعی و ساختگی، در زمانبندی مدیریت سود است. دستکاری در فعالیتهای واقعی هنگامی رخ می‌دهد که پیش‌بینی مدیران آن است که سود نمی‌تواند هدفهای مورد نظرشان را برآورده سازد، مگر آنکه دست به کارهایی بزنند که

● مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران قضاوت‌های شخصی خود را در گزارشگری مالی به کار گیرند و در ساختار معاملات با هدف تغییر گزارشگری مالی، دستکاری کنند. در مدیریت واقعی سود از زمانبندی و یا میزان تصمیمات عملیاتی برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر بهره گرفته می‌شود اما مدیریت ساختگی سود، شامل انتخاب روشهای حسابداری مناسب برای دستیابی به سطوح مطلوب و مورد نظر سود است. در این راستا مدیریت سود یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود درباره کارکرد اقتصادی شرکت انجام می‌گیرد یا برای اثرگذاری بر نتایج قراردادهایی که بسته شدن آنها منوط به دستیابی به سود شخصی است.

از روشهای عادی شرکت مایه می‌گیرد، یا هنگامی که برخی عوامل دیگر (استانداردهای حسابداری سختگیرانه) مدیریت ارقام تعهدی اختیاری را دچار محدودیت می‌کند. برای برآورده ساختن اطلاعات مرتبط با سود، مدیران می‌توانند تا پایان سال منتظر بمانند و از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود گزارش شده استفاده کنند. این شیوه، این ریسک را در بر دارد که مقدار سودی که برای دستکاری مورد نیاز است بزرگتر از ارقام تعهدی اختیاری موجود باشد، زیرا اختیار موجود در رابطه با ارقام تعهدی توسط اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری محدود شده است (بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲).

همچنین، رویدادهای اقتصادی اساسی در یک شرکت، توانایی مدیران را برای گزارش سود مبتنی بر ارقام حسابداری (مدیریت ساختگی سود) محدود می‌کند. در نتیجه، اگر از ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال استفاده شود، ممکن است به هدفهای مرتبط با سود دست یافته نشود. این ملاحظات،

مدیریت ارقام تعهدی اختیاری را با محدودیت مواجه می‌سازد. در مقایسه، دستکاری فعالیتهای واقعی، کمتر با این محدودیت روبه‌رو می‌شود. مزیت دیگر تغییر فعالیتهای واقعی در جهت دستکاری سود این است که حسابرسان و قانونگذاران کمتر متوجه چنین رفتاری می‌شوند.

از تفاوت‌های دیگر این دو شیوه مدیریت سود این است که مدیریت ارقام تعهدی اختیاری در سال وقوع، کمابیش مشخص است اما دستکاری در فعالیتهای واقعی به آسانی قابل تشخیص نیست. گفتنی است که دستکاری در فعالیت واقعی، وسیله تغییر آرایش حسابها نیست. مدیران در این روش، زمان انجام گرفتن عملیات، شیوه تخصیص منابع یا زمان اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تغییر می‌دهند. از سوی دیگر، فعالیتهای مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، اثر مستقیم بر جریان نقدی ندارد (کوهن و زاروین، ۲۰۱۰)؛ اما مدیریت واقعی سود بر جریانهای نقدی شرکت اثر مستقیم دارد.

### اثر قوانین، مقررات و نظارت‌های قانونی

#### بر مدیریت سود

محیط گزارشگری مالی، سطح مجاز اختیار

● بسیاری از پژوهشها درباره روشهای مدیریت سود واقعی و ساختگی در پاسخ به تغییرات در محیط قانونی، نشان می‌دهد که تصویب و اعمال مقررات و استانداردهای بیشتر و دقیقتر، باعث می‌شود شرکتها فعالیتهای واقعی را جانبدارانه روشهای ساختگی کنند. پس از تصویب قوانینی همچون «قانون اوراق بهادار»، در ایران نیز گرایش مدیران از مدیریت ساختگی سود به سمت مدیریت واقعی سود تغییر کرده است.

گزارشگری را مشخص و محدودیتهایی بر اختیار گزارشگری شرکتها اعمال می‌کند. اثربخشی این محدودیتها دارای دو بُعد است: نخست، این محیط باید ابزاری برای تشخیص اینکه چه موقع یک تخلف گزارشگری رخ داده است فراهم کند و دوم، در صورت شناسایی یک تخلف، محیط باید دربردارنده یک پیامد مهم مورد انتظار برای شرکت متخلف باشد. نبود یا کمبود رهنمود و نظارت یا اجرای مناسب در هر یک از این دو بُعد، از دید مدیران شرکتها، اندازه مجاز استفاده از اختیارات گزارشگری برای رسیدن به هدفهای عملکردی را افزایش می‌دهد (ایوانس و همکاران، ۲۰۱۴). مجموعه قوانینی که شرکت در چارچوب آن به انتشار اطلاعات و گزارشگری می‌پردازد، یک عنصر مهم محیط گزارشگری است، زیرا ابزاری برای شناسایی تخلف و نیز ابزاری برای تعیین پیامدهای تخلف احتمالی فراهم می‌سازد.

مدیریت شرکت می‌تواند از راه تغییر دادن اندازه استفاده از مدیریت سود به‌طور کلی، یا با تغییر دادن روشهای مدیریت سودی که به‌کار می‌گیرد، به سطوح مختلف اختیار گزارشگری مجاز (سطوح مختلف مقررات و نظارت قانونی)، واکنش نشان دهد. در محیطهایی که در آنها اختیار گزارشگری مجاز، کمابیش بالا است، برای نمونه محیطهایی که در آن مقررات اندک یا غیر دقیقی وجود دارد یا مقررات درست اجرا نمی‌شود، مدیران تمایل بیشتری دارند که دست به مدیریت سود بزنند و برای این کار، ارقام تعهدی را بر فعالیتهای واقعی ترجیح می‌دهند زیرا ارقام تعهدی دقیق و معین است و می‌تواند تا پایان دوره گزارشگری به تعویق بیفتد، اما تعدیلهای راه فعالیتهای واقعی باید پیش از پایان سال انجام گیرد. گذشته از این، برخلاف فعالیتهای واقعی، ارقام تعهدی، مستقیم بر جریانهای

کرد. بسیاری از پژوهشها درباره روشهای مدیریت سود تعهدی و واقعی در پاسخ به تغییرات در محیط قانونی، گویای آن است که تصویب و اعمال مقررات و استانداردهای بیشتر و دقیقتر، باعث می‌شود که شرکتها فعالیتهای واقعی را جانشین روشهای تعهدی کنند (مانند پژوهشهای اورت و ونگنهافر، ۲۰۰۵ و کوهن و همکاران، ۲۰۰۸).

نقد شرکت تأثیر بد ندارد (ایوانس و همکاران، ۲۰۱۴). برعکس، در محیطهایی که اختیار گزارشگری مجاز محدود و اندک است، مدیران سود را کمتر از راه ارقام تعهدی مدیریت می‌کنند و در برابر، اتکای بیشتری بر فعالیتهای واقعی دارند. در واقع، محدود ساختن اختیار گزارشگری (برای نمونه از راه تصویب قوانین و مقررات بیشتر یا تشدید نظارتها)، مدیران را وادار می‌کند که روشی غیر از ارقام تعهدی برای دستیابی به هدفهای گزارشگری خود بیابند و به سازماندهی معاملات تشویق می‌شوند. در نتیجه، مدیریت، فعالیتهای واقعی را جانشین ارقام تعهدی خواهد

### قانون بازار اوراق بهادار و

### تأثیر بالقوه آن بر مدیریت سود

نخستین قانون مربوط به بازار سرمایه ایران در

جدول ۱. پژوهشهای مرتبط با اثر قوانین، مقررات و نظارت های قانونی بر مدیریت سود

پژوهشگر	مدیریت ساختگی سود	مدیریت واقعی سود	میزان کلی مدیریت سود	نوع قوانین، مقررات و نظارت های قانونی
چن و همکاران، ۲۰۱۵	-----	-----	بی تاثیر	قوانین مبتنی بر استقلال بیشتر هیات مدیره
ایوانس و همکاران، ۲۰۱۴	کاهش	افزایش	-----	استانداردهای حسابداری داخلی آمریکا همراه با مقررات و نظارتهای سخت تر
ایوانس و همکاران، ۲۰۱۴	کاهش	افزایش	بی تاثیر	محیط گزارشگری مالی همراه با نظارت قانونی سخت تر
سان و الفاروق، ۲۰۱۳	-----	-----	افزایش	اصلاح قوانین حاکمیت شرکتی
زنگ، ۲۰۱۲	-----	افزایش	-----	دعای حقوقی
ایپینو و پارونتی، ۲۰۱۱	-----	افزایش	-----	پذیرش اجباری استانداردهای حسابداری بین المللی همراه با مقررات و نظارتهای سخت تر
هولاک، ۲۰۱۰	بی تاثیر	بی تاثیر	-----	قانون دوره تصدی حسابرسان در بلند مدت
کوهن و همکاران، ۲۰۰۸	-----	افزایش	-----	قانون دوره تصدی حسابرسان در کوتاه مدت

سال ۱۳۴۵ و تنها با هدف شکل‌گیری بورس تدوین شد. به‌علت نارسایی‌های این قانون و ناتوانی آن در پاسخگویی به نیازهای روز، قانون جدیدی با عنوان «قانون بازار اوراق بهادار» در آذر ۱۳۸۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون، گذشته از ایجاد بستر لازم برای افزایش ابزارها و نهادهای مالی جدید، یک چارچوب قانونی مشخص برای نظارت کافی بر شرکتهای سهامی عام و پذیرهنویسی آنها فراهم شد (پاکروان، ۱۳۸۵).

برخی ابعاد و ویژگیهای قانون بازار اوراق بهادار که به‌گونه نظری و بالقوه می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی و بویژه مدیریت سود اثر گذارد، چنین است:

**جداسازی کامل حوزه نظارت و اجرا از یکدیگر:**  
در قانون جدید، بازار سرمایه ایران به دو بخش: الف) نظارتی؛ شامل شورای عالی بورس و سازمان بورس و اوراق بهادار و ب) اجرایی؛ شامل شرکت بورس اوراق بهادار تهران، شرکت بورس کالا و شرکت سپرده‌گذاری مرکزی تقسیم می‌شود. وظیفه بخش نظارتی، تعیین سیاستهای کلان بازار، تدوین مقررات مورد نیاز، نظارت کامل بر معاملات و نظارت بر فعالیت ناشران و نهادهای مالی است. سازمان بورس از راه ارکان نظارتی داخلی و خارجی خود از جمله اداره نظارت بر شرکتهای بورسی و همچنین «حسابرسان معتمد بورس» اعمال نظارت می‌کند. بدین‌سان، زمانی که مدیریت فرصت‌طلبانه سود با سیستم‌های نظارتی کنترل شود، سودهای حسابداری قابل اتکاتر و حاوی اطلاعات مفیدتری خواهد بود (ویلد، ۱۹۹۶).

**ضوابط اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعاتی:** فصل پنجم قانون بازار اوراق بهادار به اطلاع‌رسانی در بازارهای اولیه و ثانویه اختصاص یافته است. بر این اساس، وظیفه اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور دسترسی عموم به

اطلاعات مرتبط با ثبت اوراق بهادار، و همچنین الزام بورسها، ناشران و دیگران به انتشار اطلاعات جامع درباره فعالیت خود برپایه استانداردهای حسابداری و حسابرسی، بر عهده سازمان بورس است. سازمان می‌تواند عرضه عمومی اوراق بهادار را در صورت آگاه شدن از ارائه اطلاعات نادرست، ناقص یا گمراه‌کننده از سوی ناشر، متوقف کند (ماده ۴۴). برپایه ماده ۴۵، ناشر مکلف است هرگونه اطلاعات را که اثر با اهمیتی بر بهای اوراق بهادار داشته باشد به سازمان ارائه کند. همچنین، مسئولیت جبران خسارتهای وارده به سرمایه‌گذارانی که بر اثر قصور، تخلف یا نقصان اطلاعات ارائه شده در فرایند عرضه اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل ناشر باشد، زیان دیده‌اند، برعهده ناشر است. بدین‌سان، انتظار می‌رود بهبود اطلاع‌رسانی و شفافیت بازار سرمایه ناشی از اجرای قانون بازار اوراق بهادار، بر پدیده مدیریت سود اثر گذارد.

**جرایم و مجازاتها:** فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار به جرم‌انگاری برخی از تخلفات مربوط به بازار سرمایه می‌پردازد و مواردی از تقلب، جرایم و مجازاتهای مربوط به آنها را به صراحت بیان می‌کند. برای نمونه، برپایه ماده ۴۷، اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی به سازمان و یا بورس ارائه کنند، به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. بنابراین انتظار می‌رود وجود چنین مجازاتها و سختگیریهایی، مانعی در برابر اقدامات سودجویانه مدیران باشد.

### نتیجه‌گیری

مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران قضاوت‌های شخصی خود را در گزارشگری مالی به کار گیرند و در ساختار معاملات با هدف تغییر گزارشگری

● تقویت قوانین، مقررات و نظارت‌های مالی و غیر مالی، تدوین قوانین و مقررات تازه و مناسب می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری از مدیریت سود باشد. قوانین، مقررات و نظارت‌های حاکم بر بازار سرمایه، بعنوان یکی از عناصر برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی و رفتارهایی چون مدیریت سود اثر گذارد.

(مانند پژوهش‌های اورت و ونگنه‌افر، ۲۰۰۵ و کوهن و همکاران، ۲۰۰۸). پس از تصویب قوانینی همچون «قانون اوراق بهادار»، در ایران نیز گرایش مدیران از مدیریت ساختگی سود به سمت مدیریت واقعی سود تغییر کرده است (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

تقویت قوانین، مقررات و مکانیسم‌های نظارتی، تغییر رویکرد در تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول و تأکید بر استقلال حسابرسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت از منافع سهامداران و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی در بازار سرمایه، از تدابیری است که می‌تواند در کنار مدیریت سود مؤثر باشد. موارد یاد شده در کنار سازوکارهای درون سازمانی همچون ساختار هیأت مدیره و کمیته حسابرسی می‌تواند مدیریت سود را با محدودیتهای جدی روبه‌رو سازد. در این راستا، تصویب قانون بازار اوراق بهادار ایران در سال ۱۳۸۴ گام مهمی در راه پیشگیری و کنترل مدیریت سود و حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران بوده و زمینه را برای تصویب دیگر مقررات لازم فراهم کرده است.

#### منابع

- ایزدی‌نیا، ناصر و دیگران (۱۳۹۴). «بررسی مدیریت سود

مالی، دستکاری کنند. در مدیریت واقعی سود از زمانبندی و یا میزان تصمیمات عملیاتی برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر بهره گرفته می‌شود اما مدیریت ساختگی سود، شامل انتخاب روشهای حسابداری مناسب برای دستیابی به سطوح مطلوب و مورد نظر سود است. در این راستا مدیریت سود یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود درباره کارکرد اقتصادی شرکت انجام می‌گیرد یا برای اثرگذاری بر نتایج قراردادهایی که بسته شدن آنها منوط به دستیابی به سود شخصی است.

رویدادهای اقتصادی اساسی در یک شرکت، توانایی مدیران را برای گزارش سود مبتنی بر ارقام حسابداری محدود می‌کند. در نتیجه، اگر از ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال استفاده شود، ممکن است هدفهای مرتبط با سود محقق نشود. این ملاحظات، مدیریت ارقام تعهدی اختیاری (به عبارتی، مدیریت ساختگی سود) را با محدودیت روبه‌رو می‌سازد. در مقایسه، دستکاری در فعالیتهای واقعی کمتر با این محدودیت روبه‌روست. ویژگی دیگر تغییر فعالیتهای واقعی در جهت دستکاری در سود این است که حسابرسان و قانونگذاران کمتر متوجه چنین رفتاری می‌شوند. در واقع، مدیران در پاسخ به تغییرات قانونی همچون تصویب قانون بازار اوراق بهادار که شفافیت را بیشتر می‌کند و مسئولیت مدیران و نظارت بر آنان را افزایش می‌دهد، با کاهش دستکاری در ارقام تعهدی واکنش نشان می‌دهند.

بسیاری از پژوهشها درباره روشهای مدیریت سود واقعی و ساختگی در پاسخ به تغییرات در محیط قانونی، نشان می‌دهد که تصویب و اعمال مقررات و استانداردهای بیشتر و دقیقتر، باعث می‌شود شرکتها فعالیتهای واقعی را جانشین روشهای ساختگی کنند



*Studies*, 20(2), :899-933.

-Cohen, D. A., et al (2008), «Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-sarbanes oxley periods». *The Accounting Review*, 83, :757-788.

-Cohen, D. & Zarowin, P. (2010), Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, : 2-19.

-Davidson, S., et al (1987), *Accounting: The language of business*, T. Horton, Sun Lakes, Ariz.

-Degeorge, F. et al (1999), Earnings Management to Exceed Thresholds. *Journal of Business* 72, : 1-33.

-Evans, M., et al (2014), «Reporting regulatory environments and earnings management: U.S. and non-U.S. firms using U.S. GAAP or IFRS». *The Accounting Review In-Press*. doi: <http://dx.doi.org/10.2308/accr-51008>.

-Ewert, R. & Wangenhofer, A., (2005), «Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management». *The Accounting Review*, 80, : 1101-1124.

-Healy, P. & J. Wahlen. (1999), «A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting». *Accounting Horizons*, Vol. 17, Pp. 365-383.

-Hollak, F., (2010), *Real and accrual-based earnings management before and after the introduction of the Sarbanes-Oxley act: long-run evidence*. Master thesis Department of Accountancy, Faculty of Economics and Business Administration, Tilburg University.

مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود در دوره‌های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ایران»، دانش حسابداری، ۲۱(۶):۸۱-۵۵.

- پورحیدری، امید و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مدیریت واقعی سود بر رفتار سرمایه‌گذاری»، *پیشرفتهای حسابداری*، ۱(۵):۸۵-۵۵.

- مشایخ، شهناز و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی انگیزه‌های مدیریت سود»، *پژوهش حسابداری*، ۹(۳): ۷۰-۵۳.

- مشایخی، بیتا و دیگران (۱۳۸۴). «نقش ارقام تعهدی اختیاری در مدیریت سود»، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۴۲: ۷۴-۶۱.

- نوبخت، مریم. (۱۳۹۵). *تأثیر جریانهای نقد آزاد بر مدیریت سود واقعی و تصنعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- نورانی، حسین. (۱۳۸۴). *تأثیر هموارسازی سود بر بازده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی.

- نیکو مرام، هاشم و نهدی، یونس. (۱۳۸۸). «تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران»، *فراسوی مدیریت*، ۸(۲): ۱۸۷-۱۴۱.

۸ والی‌زاده لاریجانی، زهرا. (۱۳۸۷). *نتایج مدیریت واقعی سود*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

-Barton, J. & P. Stmko. (2002), The balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review*, :77-127.

-Chen, X. et al (2015), Does increased board independence reduce earnings management? Evidence from recent regulatory reforms". *Review of Accounting*

- Schipper, K., (1989), "Commentary on Earning Management, Accounting". **Accounting Horizons**, Vol.3, Pp. 91-102.
- Scott. W. R., (2009), **Financial Accounting Theory**, Pearson education, : 228-236
- Sun, L. & Al Farooque, O., (2013), «An exploratory analysis of earnings m management before and after the governance and disclosure regulatory changes in Australia and New Zealand». Available at: [http://www.afaanz.org/openconf/2013/modules/request.php?module=oc\\_program&action=summary.php&id=27](http://www.afaanz.org/openconf/2013/modules/request.php?module=oc_program&action=summary.php&id=27).
- Wild, J., (1996), The audit committee and earnings quality. **Journal of Accounting, Auditing and Finance**, 11, : 247-276.
- Zang, A., (2012), Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based activities earnings management. **The Accounting Review**, 87(2): 675-703.
- Ipino, E. & Parbonetti, A., (2011), «Mandatory IFRS adoption: the trade-off between accrual and real-based earnings management». <http://ssrn.com/abstract=2039711>.
- & R, Sharma., (2001), «The Impact of .-Jones, S Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia's 'Old' and 'New' Economies». **Managerial Finance** 27 (12), : 18-39.
- Pakravan, L., (2006), The Differences between new and old Iranian Capital Market Act. **Journal of Auditor**, 8 (32): 94-99.
- Roychowdhury, S., (2006), «Earnings management through real activities manipulation». **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 42, : 335-370.
- Solomon, J. & Solomon, A., (2004), **Corporate Governance and Accountability**, John Wiey And Sons Ltd.